

اندیشه تقریب سال چهاردهم شماره اول، بهار ۱۳۹۷ پیاپی ۳۶ ص ۱۲۷ - ۱۶۰	Andishe-e-Taqrib.36 Vol.14.No.1.Spring 2018 P 127-160
--	---

انقلاب اسلامی و احیای مسئله فلسطین

خلیل عالمی^۱

چکیده

جمهوری اسلامی ایران از زمان شکل‌گیری، با اتخاذ تدابیر و راه‌کارهایی نگذاشته است مهم‌ترین مسئله جهان اسلام به دست فراموشی سپرده شود. پرسش اصلی این است که تدابیر و راه‌کارهایی که انقلاب اسلامی با طرح آن‌ها نگذاشت این اتفاق بیفتد کدام‌اند؟ این مقاله با استفاده از روش تحلیلی و تحقیقی به دنبال یافتن این مؤلفه‌هاست. بر اساس یافته‌های این مقاله، انقلاب اسلامی با ارائه طرح‌ها، راه‌کارها، ابتکارات، رفتارها و سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای خود که ملهم از ذات دینی آن است، مسئله فلسطین را احیا کرد. مهم‌ترین مؤلفه‌ها، طرح‌ها و رفتارهایی که انقلاب اسلامی برای زنده ماندن و احیای مسئله فلسطین، دنبال کرده است عبارت‌اند از: تغییر دادن رویکرد مسئله‌ی فلسطین از قوم‌گرایی و عربی بودن به اسلامی بودن، نام‌گذاری و اعلام آخرین جمعۀ ماه رمضان به عنوان روز جهانی قدس، گشایش سفارت فلسطین در تهران، طرح سیاست‌های منطقه‌ای، حمایت از گروه‌های مبارز فلسطینی و مقابله با تلاش‌های مشروعیت‌ساز رژیم صهیونیستی و ...

واژه‌های کلیدی: فلسطین، انقلاب اسلامی، پان‌عربیسم، رژیم صهیونیستی، مبارزان فلسطینی، جبهه پایداری عرب.

۱. دکتری انقلاب اسلامی و مدرس دانشگاه. khalemi48@gmail.com

مقدمه

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فلسطین در آستانه تبدیل شدن به سرزمینی از یادرفته بود و ملت آن فراموش شده بودند. در آن زمان، کنشگران فعال مسئله‌ی فلسطین عمدتاً رژیم صهیونیستی و جبهه‌ی استکبار، کشورهای عربی و گروه‌های فلسطینی بودند. رژیم صهیونیستی با کشتار و سرکوب فلسطینیان و بیرون راندن آن‌ها از سرزمین فلسطین، تلاش می‌کرد اثری از ملت و فرهنگ و تمدن فلسطین در آن سرزمین مقدس باقی نگذارد. گلدا مایر (نخست‌وزیر اسبق اسرائیل)، در اواسط دهه شصت میلادی، اظهار داشته بود:

«ما نسل کنونی را می‌کشیم؛ نسل آینده هم فراموش خواهد شد».

(صفحات ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۱۷۴)

پیروزی صهیونیست‌ها بر کشورهای عربی - اسلامی در جنگ‌های چهارگانه طی سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ هرکدام موجب تحولات اساسی در جهان عرب شد و در نهایت، قرارداد ننگین کمپ‌دیوید - که با وساطت آمریکا بین مصر و رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۵۶ شمسی منعقد گردید - به پایان یافتن مبارزات کشورهای عربی علیه رژیم اشغال‌گر قدس منجر شد. بدین ترتیب دولت‌های عربی نیز بعضی با رها کردن مسئله‌ی فلسطین و بعضی (مانند مصر و اردن)، با پیوستن به قطار صلح آمریکایی - اسرائیلی در منطقه، عملاً رسالت آزادسازی فلسطین و استیفای حقوق ملت آن را رها کردند.

از سویی دیگر، گرایش‌های سازش‌کارانه در سازمان آزادی‌بخش فلسطین به رهبری یاسر عرفات، پرهیز سوریه از ادامه مبارزه مسلحانه و اقدامات اردن در سرکوب پایگاه‌های فلسطین در آن کشور، شرایطی را فراهم آورد که نه تنها امیدی به نجات فلسطین و کشورهای اسلامی باقی نماند، بلکه رژیم صهیونیستی با حمایت آمریکا و

اروپا سلطه خود را بر خاورمیانه و کشورهای اسلامی توسعه بخشید. فلسطینیان نیز تحت تأثیر این تحولات سریع و جنایات وحشتناک صهیونیست‌ها، مراحل دشواری را پشت سر گذاشتند و در طول مبارزات خود راه‌های مختلفی را آزمودند.

در میان مبارزان فلسطینی، عمدتاً حرکت‌های ناسیونالیستی و الگوهای چریکی چپ‌گرایانه، محور اصلی مبارزه را سازمان می‌داد و گروه‌های فلسطینی از اینکه اسلام را محور مبارزه خود بخوانند، شرم داشتند. گروه‌های ملی‌گرا و ناسیونالیست که اسلام را نه به عنوان دینی دارای راهبرد جهادی و دفاعی، بلکه به عنوان بخشی از ملیت و فرهنگ عرب می‌نگریستند، و با اسلام برخورد آرام‌تری داشتند.

سرانجام با مرگ جمال عبدالناصر (که بانی ناسیونالیسم و پان‌عربیسم و پرچم‌دار مبارزه علیه اشغالگری با تفکر قومی و عربی بود)، مقاومت دچار انفعال شد که رهاورد آن تن دادن به سازش و وادادگی و زبونی گردید؛ در نتیجه، انور سادات، رئیس‌جمهوری مصر، در کمپ‌دیوید خون شهدای فلسطین و عرب را در طبق ذلت گذاشت و در حضور کارتر، تقدیم مناخیم بگین، رئیس‌وقت دولت غاصب اسرائیل کرد! عصر سازش آغاز شد و قریب بیست سال به درازا کشید. یاسر عرفات تفنگ را بر زمین گذاشت و با شاخه زیتون به سازمان ملل رفت. حکومت‌های عرب و فلسطینیان قدم به قدم عقب نشستند و تشکیل جبهه‌ی پایداری از سوی کشورهای سوریه، لیبی، الجزایر، یمن جنوبی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین هم، دردی دوا نکرد و با فروپاشی شوروی، آن نیز فروپاشید. (صلح میرزایی، ۱۳۹۰، ص ۲۹).

پس از اینکه مردم فلسطین، تجربه‌های تلخ رهبران سیاسی خود را پشت سر گذاشتند و هیچ روزنه‌ی امیدی در افق و آرزوهای آن‌ها هویدا نشد، انقلاب اسلامی ایران شکوفا شد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام انوار مقدس انقلاب بر منطقه تابید و رکود و تاریکی و یأس و ناامیدی از

صحنه فلسطین زدوده شد. انقلاب اسلامی ایران از آغاز، شعار آزادی قدس شریف و فلسطین از چنگ رژیم اشغالگر قدس، این فرزند نامشروع نظام سلطه جهانی را سر داد. امام خمینی علیه السلام مسلمانان جهان را به بسیج تمام توان و امکانات خود برای رویارویی با صهیونیسم غاصب دعوت کرد و شعار نابودی اسرائیل را سرلوحه فعالیت‌های مسلمانان قرار داد. جمهوری اسلامی ایران نیز به تبعیت از رهبر و بنیان‌گذار خود، اولین سفارت فلسطین در جهان را در تهران بازگشایی کرد.

زمان زیادی از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نگذشته بود که موج اسلام‌خواهی در کشورهای مسلمان منطقه شروع شد. نسل جوان فلسطینی که از مبارزات ظاهری و غیراصولی سازمان‌ها و گروه‌های فلسطینی، در قالب‌های سوسیالیسم، مارکسیسم و ملی‌گرایی عربی ناامید شده بود، روح انقلابی حاکم بر ایران را لمس کرد. به تدریج با مطرح شدن ایدئولوژی اسلام از ناحیه انقلاب ایران در برخورد با مشکلات جهان اسلام، به ویژه مسئله فلسطین، تصور جدیدی در اذهان فلسطینیان پیدا شد که در آن، نشانه‌های انقلاب و سرکشی و طغیان ضد اشغالگران آشکار بود. در این مرحله، مقاومت و قیام مردم فلسطین جدی‌تر نمایان شد و در آن، از بحث و سازش با اسرائیل خبری نبود. فلسطینیان راه حل خلاً موجود در صحنه مبارزاتی در فلسطین را یافتند و به مذهب روی آوردند؛ لذا در نسل جدید آن سرزمین گرایش به اسلام و گسترش نشانه‌های آگاهی و ظلم‌ستیزی (که با دین حنیف الهی تطابق داشت) شروع شد و نقش گروه‌ها و احزاب ملی و چپ‌گرا، روزبه‌روز در داخل فلسطین اشغالی کم‌رنگ و ماهیت واقعی آن‌ها عیان شد. (صفتاج، ۱۳۹۶، ص ۲۲). با احیای این تفکر در فلسطین، مبارزات سیاسی سازمانی و گروهی خارج از مناطق اشغالی رو به افول نهاد و اولین آثار مقاومت مردمی و انتقاضه‌ی فلسطین در سال ۱۹۸۷ هویدا شد.

باید گفت پس از قرن‌های متمادی که کشورهای اسلامی مورد تاخت و تاز بیگانگان قرار داشتند (جنگ‌های صلیبی، تهاجم مغول، سپس استعمارگران اروپایی و غربی و به تازگی آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی) انقلاب اسلامی ایران، فصل نوین و الگویی بود که با ایجاد نشاط و امید برای ملل اسلامی و جنبش‌های مردمی مبارزه‌کننده با استعمارگران، صحنه‌ی تحولات منطقه را تغییر داد و جهان اسلام را از حالت دفاعی به حالت تهاجمی درآورد.

انقلاب اسلامی ایران توانست فارغ از هرگونه وابستگی نظری و عملی به اردوگاه‌های شرق و غرب و تنها با تکیه بر آموزه‌ها و راهبردهای درونی خویش، معادلات جهانی را به هم بریزد و طرحی نو برای حل مسائل جهانی و منطقه‌ای، خصوصاً قضیه فلسطین، درآورد. یکی از مهم‌ترین معادلات، تغییر جایگاه فلسطین و رژیم صهیونیستی در صحنه جهانی بود. جمهوری اسلامی، با اقداماتی، باعث احیای مسئله فلسطین و زنده ماندن نام آن گردید.

۱. تغییر رویکرد مسئله فلسطین از عربی به اسلامی

چنان‌که گذشت، تفکر حاکم بر مسئله فلسطین و تلقی از آن، عربی، و نه اسلامی بودن آن بود که در عمل، ناکارآمدی‌اش ثابت شد. کشورهای عربی مدافع فلسطین که با تکیه بر قومیت و عربیت با رژیم اشغالگر وارد جنگ شدند، تقریباً در تمام جنگ‌ها شکست خوردند و درنهایت مسیر صلح و سازش را برگزیدند و راهبرد مبارزه را کنار گذاشتند. گروه‌های مبارز فلسطینی نیز دچار انشقاق گشته، عده‌ای راهبرد سازش را انتخاب کردند و عده‌ای هم با گرایش‌های غیراسلامی به مبارزه ادامه دادند و تقریباً در اندیشه مبارزان فلسطینی، تفکر اسلامی جایگاهی نداشت. نتیجه این رویکرد، کشتار، یا اخراج بیش از پیش فلسطینی‌ها و غصب و تصرف سرزمین فلسطین توسط رژیم اسرائیل بود.

حضرت امام خمینی علیه السلام در دههٔ چهارم قرن چهاردهم هجری شمسی بنیان‌گذار حرکتی شد که نقش اسلام در سیاست و تحولات اجتماعی را آشکار ساخت و پایه‌گذار موج جدید بیداری اسلامی در ایران و جهان اسلام شد. بُعد منطقه‌ای حرکت امام، جهاد علیه صهیونیسم و تلاش برای آزادی فلسطین و در واقع رهایی جهان اسلام از قید سلطه و استکبار و اعادهٔ عزت و عظمت مسلمانان بود. ایشان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، صهیونیست‌ها، یهودیان سیاسی و نمایندگان و عواملان استعمار جهانی را غاصب جنایت‌کار معرفی می‌کردند و مبارزه با این رژیم اشغالگر را تا آزادی سرزمین‌های مسلمانان و رهایی قدس شریف و مسجدالاقصی از چنگال صهیونیست‌ها لازم می‌دانستند؛ به طوری که در پاییز ۱۳۵۲، مقارن با جنگ اکتبر ۱۹۷۳، در پیامی خطاب به سران دولت‌های اسلامی نوشتند:

«... بر عموم دولت‌های ممالک اسلامی و خصوصاً دُول عربی لازم است که با توکل بر خدای متعال و تکیه بر قدرت لایزال، همهٔ قوا و نیروی خویش را بسیج ساخته و به یاری مردان فداکاری که در خط اول جبهه چشم امید به ملت اسلام دوخته‌اند، بشتابند... سران کشورهای اسلامی باید توجه داشته باشند که این جرثومهٔ فساد را که در قلب کشورهای اسلامی گماشته‌اند، تنها برای سرکوب ملت عرب نیست؛ بلکه خطر و ضرر آن متوجه همهٔ خاورمیانه است». (صحیفه امام، ج ۳، ص ۲).

وقتی انقلاب اسلامی ایران پیروز شد، قرارداد کمپ‌دیوید بن‌بست حرکت‌های ناسیونالیستی را آشکار کرده بود. گروه‌های فلسطینی در روزهای نخستین انقلاب چنین می‌پنداشتند که روزنه‌ای گشوده شده است؛ ولی انقلاب روزنه‌ای نبود که تنها بن‌بست را درهم بشکند؛ بلکه راه جدیدی نیز پیش‌رو می‌نهاد و آن، بازگشت به اسلام به عنوان مدار و محور اصلی مبارزه بود. بدین ترتیب نه تنها در کشورهای عربی، بلکه در

کشورهای مسلمان جنبش جدیدی پدید آمد و اولین نشانه آن، قتل انور سادات، عامل قرارداد کمپ دیوید بود. در پی آن، جنبش دینی نوینی، نه از میان روشنفکرانی که در چارچوب نظریه‌های غربی سازمان می‌یافتند، بلکه در متن مردم فلسطین پدید آمد. حرکت اسلامی حزب‌الله لبنان نیز به جای همه جنبش‌های دیگر، در صف مقدم رویارویی با صهیونیسم و حامیان غربی آن نشست و در حالی که جنبش‌های غیراسلامی به سوی سازش با غرب و اسرائیل پیش می‌رفتند، جنبش اسلامی تداوم یافت. (پارسانیا، ۱۳۸۹، ص ۳۵۴-۳۵۳).

انقلاب اسلامی ایران نه تنها در تحولات ایران فصل نوینی پدید آورد، در سطح منطقه استراتژیک خلیج فارس و دیگر نقاط جهان نیز تغییراتی ایجاد کرد. این انقلاب نقطه عطف و سرآغاز عصر جدیدی در مسیر حرکت و تحولات جوامع بشری بود که در منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی تا دیگر نقاط جهان شرق و غرب، دگرگونی‌های فکری و سیاسی جدیدی پدید آورد و پیام خود را در ابعادی گوناگون طنین‌انداز ساخت. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«با انقلاب اسلامی در ایران و با تشکیل نظام اسلامی در این نقطه از عالم و با مبارزات طولانی که ملت ما پشت سر رهبر عظیم‌الشأنش برای حفاظت از انقلاب و اسلام انجام داد، عصر جدیدی با خصوصیتی متمایز با دوران قبل، در عالم به وجود آمد و تأثیرات این عصر جدید روی ملت‌ها و دولت‌های ضعیف و نیز روی دولت‌های قوی و ابرقدرت‌ها محسوس است و حتی نقشه سیاسی دنیا عوض شده است. این عصر و این دوران جدید را باید «دوران امام خمینی» نامید». (حدیث ولایت، ج ۴، ص ۲۷۵).

رهبران انقلاب اسلامی با تمرکز بر مسئله‌ی فلسطین به دو دلیل آن را اولین، مهم‌ترین و فوری‌ترین مسئله‌ی جهان اسلام و بشریت دانستند:

«یکی از این نظر که فلسطین قطعه‌ای از خاک اسلامی است و در بین همه‌ی مذاهب رایج اسلامی، اگر قطعه‌ای از خاک اسلامی به وسیله‌ی دشمنان اسلام جدا شود و حاکمیت دشمنان اسلام بر آن قطعه به وجود آید، همه باید وظیفه‌ی خودشان را مجاهدت و تلاش برای بازگرداندن آن قطعه به سرزمین اسلامی بدانند... جهت دوم این است که اساساً تشکیل دولت یهودی (یا به تعبیر درست‌تر دولت صهیونیست) در این منطقه از دنیای اسلام با یک هدف بلندمدت استکباری به وجود آمد. اصلاً به وجود آوردن این دولت در این نقطه حساس که تقریباً قلب دنیای اسلام است (یعنی قسمت غرب اسلامی را که آفریقا است، به شرق اسلامی که همین خاورمیانه و آسیا و مشرق است، متصل می‌کند و یک سه‌راهی است بین آسیا و آفریقا و اروپا) برای خاطر این بود که در بلندمدت، تداوم سلطه‌ی استعمارگران آن روز بر دنیای اسلام باقی بماند». (صلح میرزایی، ۱۳۹۰، ص ۵۴-۵۵).

درواقع انقلاب اسلامی ایران برای بیداری اسلامی در سطح منطقه و حرکت ملت‌ها و گروه‌های اسلامی برای مقابله با صهیونیسم و استعمار نقطه‌ی عطفی بود که توانست صحنه‌ی تحولات خاورمیانه را دگرگون سازد.

مارین زونیس، استاد دانشگاه میشیگان، می‌گوید:

«انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین منبع الهام‌دهنده برای جنبش‌های سیاسی و اسلامی در خاورمیانه و جهان بوده است». (رسالت، ۱۳۷۹/۱۱/۱۷).

پیشوایان انقلاب اسلامی برای همگانی و سراسری کردن مبارزه با صهیونیسم و تشکیل جبهه‌ای واحد در برابر رژیم جعلی صهیونیستی، قضیه‌ی فلسطین را یک قضیه‌ی اسلامی، نه عربی خواندند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این خصوص فرمودند:

«بعد از انقلاب اسلامی دو اتفاق مهم افتاد: یکی اینکه نهضت فلسطین که یک نهضت غیردینی بود، به یک نهضت اسلامی تبدیل شد و مقاومت اسلامی به وجود آمد و رنگ اسلامی گرفت، و ثانیاً انتفاضه شکل گرفت». (صلح میرزایی، پیشین، ص ۷۷).

فتحی شقاقی، دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین درباره تأثیر انقلاب اسلامی بر مسئله فلسطین و تغییر ایدئولوژی مبارزه آن گفته است:

«اشغالگری، ناامیدی و یأس ناشی از سیاست‌های اعراب و تجربیات مبارزاتی در طول هفتاد سال مقاومت و جهاد پیگیر را نمی‌توان به عنوان علل کافی برای خیزش دوباره فلسطینیان در پوشش اسلامی آن دانست. سرزمین‌های اشغالی شاهد یک حرکت بزرگ و عظیم بیداری اسلامی، به عنوان بخشی از نهضت اسلامی گسترش یافته در منطقه بود که با قیام و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آغاز شد. بدین ترتیب، اسلام ثابت کرد که قادر به حرکت مردم و انقلاب و به دست آوردن پیروزی و تأسیس جمهوری اسلامی است؛ از همین رو همان‌طور که امام خمینی به زندگی ایرانیان معنا و مفهوم بخشید، به میلیون‌ها انسان مسلمان و مستضعف نیز امید بخشید و مسلمانان فلسطین نیز احساس کردند که می‌توان اسرائیل را از میان برد». (صفتاج، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۱۷۸؛ به نقل از فتحی شقاقی، جهان اسلامی، ترجمه سید هادی خسروشاهی).

ظهور حماس و حزب‌الله در فلسطین و لبنان با الگوگیری از اسلام و ملت ایران و با تفکر اسلامی به عرصه مبارزات فلسطین باعث شکل‌گیری، رشد و قدرت‌یابی گروه‌های مبارز اسلامی شد. با تأسیس جنبش جهاد اسلامی، مبارزه مبارزان فلسطینی

چهره‌ای دیگر به خود گرفت. به تعبیر شیخ اسعد تمیمی، از رهبران فلسطینی: «تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، اسلام هنوز وارد عرصه نبرد نشده بود. انقلاب ایران این واقعیت اصیل که "اسلام، راه حل و جهاد وسیله اصلی است" را به سرزمین فلسطینی وارد کرد». (مجرد، ۱۳۸۶، ص ۱۶۴).

شهید فتحی شقاقی، همچنین می‌گوید:

«این انقلاب به ما فهماند که پیروزی ما در گرو پیروی از راه امام خمینی علیه السلام است؛ از همین رو ناگهان در و دیوار مساجد سرزمین‌های اشغالی، به ویژه مسجدالاقصی، با تصاویر حضرت امام تزئین شد. امروز نیز شاهد هستیم که آیت‌الله خامنه‌ای همان مشی امام را ادامه می‌دهند». (مرتضایی، ۱۳۷۸، ص ۳۱).

وی بعدها کتاب امام خمینی، راه حل اسلامی و جایگزین را منتشر کرد و اعلام نمود: «همان‌گونه که امام راحل به زندگی ایرانی‌ها معنا بخشید، به زندگی ما در فلسطین نیز چنین مفهومی بخشید». (هفته‌نامه صبح صادق، ۱۳۶۳/۸/۲، ص ۱۴).

به رغم مخالفت غرب با انقلاب اسلامی ایران، این انقلاب امید مسلمانان منطقه، خصوصاً مبارزان فلسطین شد. روش مبارزه، ابزار مبارزه، ایدئولوژی ایستادگی، نهراسیدن از مرگ و شهادت، رهبری دینی و نتیجه‌گیری انقلابیون، مؤلفه‌های اساسی انقلاب اسلامی بود که توجه بسیاری از انقلابیون جهان را به خود معطوف ساخت. علاوه بر آن، مواضع صریح و شفاف رهبران انقلاب اسلامی که فارغ و دور از دیپلماسی حاکم بر روابط بین‌الملل بود، ضمن آنکه جذاب و مولد بود تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر مواضع جسورانه‌ی جریان‌های اسلام‌گرا داشت. در واقع انقلاب اسلامی، قدرت و توان نهفته در جان‌های مسلمانان را بیدار کرد و به آنان باوراند که به رغم وجود دو تفکر لیبرالیسم

غرب و سوسیالیسم شرق که جهان را بین خود تقسیم کرده بودند، اسلام منادی دیگری است که می‌تواند هم جهان را از دوقطبی بودن رها سازد و هم راهی نو که آلوده به ظلم و ستم نیست، سر راه بشریت، به‌ویژه مسلمانان قرار دهد. امام خمینی علیه السلام احیاگر اسلام در قرن حاضر و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی در این باره می‌گوید:

«ما معادله‌ی جهانی و معیارهای اجتماعی و سیاسی‌ای که تا به حال به واسطه آن، تمام مسائل جهان سنجیده می‌شده است را شکسته‌ایم. ما خود چارچوب جدیدی ساخته‌ایم که در آن عدل را ملاک دفاع، و ظلم را ملاک حمله گرفته‌ایم: از هر عدل دفاع می‌کنیم و بر هر ظمی می‌تازیم؛ ما این سنگ بنا را خواهیم گذاشت». (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۶۰).

بنابراین راهبرد «نه شرقی نه غربی» امام خمینی علیه السلام که انقلاب اسلامی ثمره آن بود و ایستادن بر سر آن، به بازتولید روح استقلال‌خواهی و خیزش علیه تحقیر هویتی و فرهنگی که دامن‌گیر جهان اسلام شده بود، انجامید و همین مؤلفه‌ها از عوامل شکل‌گیری جریان مقاومت در لبنان و فلسطین شد.

مرحوم فتحی شقاقی، رهبر شهید جهاد اسلامی فلسطین، درباره الهام‌بخشی انقلاب اسلامی ایران می‌گوید:

«تأثیر انقلاب اسلامی به رهبری امام فقید علیه السلام در فلسطین، قوی‌تر از هر مکان دیگری بود؛ زیرا مسلمانان فلسطین تحت اشغال و حشیانه صهیونیست‌ها، ناامیدتر و فروپاشیده‌تر از تمامی ملل مسلمان بودند. امام آمد تا به آن‌ها امید بدهد و تأکید کند که دگربار، امت می‌تواند با الهام‌گیری به پا خیزد. اسلام می‌تواند پیروز شود و حکومت خود را برقرار سازد». (صفحات، ۱۳۹۴، د، ص ۹۷).

وی در جای دیگر اظهار می‌دارد:

«هیچ چیز به اندازه انقلاب ایران نتوانست ملت فلسطین را به هیجان درآورد، احساسات آنان را برانگیزد و امید را در دل آنها زنده کند. ما با پیروزی انقلاب به خود آمدیم و دریافتیم که آمریکا و اسرائیل نیز قابل شکست هستند. ما فهمیدیم که با الهام از دین اسلام می‌توانیم معجزه کنیم؛ از این رو در فلسطین به انقلاب اسلامی به دیده تقدیر می‌نگرند و امام خمینی را از رهبران جاوید تاریخ می‌دانند.» (همان، ص ۹۸).

بنابراین انقلاب اسلامی در سطح منطقه‌ی خاورمیانه و کشورهای اسلامی با تغییر دادن رویکرد مسئله‌ی فلسطین از عربی به اسلامی، باعث ایجاد «بیداری اسلامی» شد و نفوذ سلطه غرب را با چالش جدی مواجه ساخت و هویت اسلامی روزافزون در این کشورها، افول قدرت آمریکا و سلطه صهیونیسم را موجب شد که پیامد افول آنها احیای مسئله‌ی فلسطین بود.

نمادسازی برای مسئله‌ی فلسطین

جمهوری اسلامی ایران برای احیای مسئله‌ی فلسطین در سطح داخلی و جهانی اقداماتی انجام داده است که به آنها اشاره می‌کنیم:

الف) جهانی‌سازی مسئله‌ی فلسطین با اعلام روز جهانی قدس

حضرت امام خمینی رحمته‌الله مسئله‌ی فلسطین را بخشی از انقلاب اسلامی و از آرمان‌های آن می‌دانست؛ لذا در اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی که چریک‌های فلسطینی حضور چشمگیری در ایران داشتند، یاسر عرفات، رئیس ساف، نخستین فرد بلندپایه‌ای بود که از ایران دیدن کرد. در پایان این دیدار، عرفات اعلام کرد آیت‌الله خمینی به او گفته

است تا انقلاب فلسطین پیروز نشود، انقلاب اسلامی ایران نیز ناتمام است، (کدیور، ۱۳۷۴، ص ۹۵). ملت ایران بدون پیروزی در قضیه فلسطین، پیروزی خود را ناقص می‌شمارد. امام خمینی علیه السلام به منظور جهانی و جاودانی شدن مسئله‌ی قدس و فلسطین، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان «روز جهانی قدس» اعلام کرد و فلسطین را «پاره‌ی تن اسلام» خواند. ایشان در ۱۶ مرداد ۱۳۵۸ (۱۳ رمضان ۱۳۹۹)، پس از بمباران جنوب لبنان به دست نیروهای دفاعی رژیم صهیونیستی، طی پیامی که خطاب به مسلمانان ایران و جهان صادر کردند، از آن‌ها خواستن آخرین جمعه ماه رمضان را به عنوان «روز قدس» انتخاب کنند.

در بخشی از این پیام آمده بود:

«من در طی این سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و به‌ویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی، پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می‌کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به هم بیوندند و جمیع مسلمانان جهان و دولت‌های مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به‌عنوان "روز قدس" انتخاب و طی مراسمی، همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند». (صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۶۷).

با اعلام روز قدس، هم‌امیدها برای شکل‌گیری جبهه‌ی متحدی از کشورهای انقلابی برای حمایت از جنبش فلسطین پدید آمد و هم‌مسئله‌ی فلسطین چهره‌ای

جهانی به خود گرفت؛ به گونه‌ای که کشورهای عربی از جمهوری اسلامی دعوت کردند عضو ناظر جلسات جبهه پایداری عرب شود. در این دوره می‌توان نشانه‌هایی از ناکامی اسرائیل در مقابل فلسطین و سایر کشورهای عربی مشاهده کرد.

می‌توان گفت پشتیبانی‌های حضرت امام به‌عنوان رهبر جهان تشیع از فلسطین، اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز قدس از سوی ایشان، طرح موضوع فلسطین در مجامع بین‌المللی و تأکید بر آن در پیام‌های حج و مراسم روز قدس اقداماتی بود که باعث احیای نام فلسطین در صحنه بین‌المللی شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درخصوص هدف از اشغال فلسطین و تدبیر امام امت برای ناکام کردن آن فرمودند:

«استعمارگران از وقتی فلسطین را اشغال کردند، هدفشان این بود که نام و یاد فلسطین را به فراموشی بسپارند؛ اصلاً مردم دنیا و نسل‌های بعدی فراموش کنند که روزی یک سرزمینی در دنیا بوده است، یک کشوری بوده است به نام فلسطین. هدفشان این بود... هدف آن‌ها این بود که نقشه فلسطین و ملتی به نام فلسطین را به کلی از جغرافیای دنیای اسلام حذف و محو کنند. همه تلاش خودشان را در طول این بیش از شصت سال تمام که از این فاجعه بزرگ می‌گذرد، بر این کار متمرکز کردند؛ اما امام بزرگوار ما با تدبیر خودش نگذاشت و با اعلام چنین روزی (روز جهانی قدس)، فلسطین را در وجدان‌های بشری بیدار نگه داشت و همه فریادها را علیه صهیونیسم متمرکز ساخت و ما هر سال شاهد استقبال فراوان و گسترده مسلمانان در این مراسم هستیم». (صلح میرزایی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۴-۲۵۵).

ایشان روز قدس را یکی از برجسته‌ترین یادگارهای امام عزیز و نشانه دل‌بستگی انقلاب و ملت ایران به ماجرای قدس شریف و ماجرای فلسطین دانستند که به برکت آن روز، موضوع فلسطین هر سال در دنیا زنده نگه داشته می‌شود و به‌رغم تلاش بسیاری از حکومت‌ها و سیاست‌ها که می‌خواستند این موضوع فراموش شود، جمهوری اسلامی با تلاش‌ها و ایستادگی خود در مقابل این سیاست خبثت‌آلود، نگذاشت مسئله‌ی فلسطین به‌تدریج به زاویه برود و فراموش شود. (همان، ص ۲۵۶).

از روز اعلام «روز قدس»، حضور پرشور مردم کشورهای اسلامی در راهپیمایی‌های این روز مهم باعث زنده ماندن نام فلسطین و مشروعیت‌بخشی به مبارزات آنان شده است.

ب) زنده نگه داشتن یاد شهدای فلسطین

یکی دیگر از اقدامات جمهوری اسلامی ایران برای احیای فلسطین و حمایت از جریان مبارزه، تغییر نام برخی از خیابان‌ها به نام فلسطین و مبارزان فلسطینی است. بعد از تعطیل کردن سفارت اسرائیل و گشایش سفارت فلسطین، یکی از اولین اقدامات تغییر نام خیابان‌ها به نفع جبهه‌ی فلسطین بود: خیابان کاخ که سفارت اسرائیل در آن بود، به خیابان فلسطین تغییر نام یافت. در ادامه‌ی این حرکت و برای زنده نگه داشتن یاد شهدای فلسطین و جریان مبارزه، نام برخی از خیابان‌ها و میدان‌های شهرهای ایران به نام شهدای فلسطین نام‌گذاری شد؛ از جمله خیابان شهید فتحی شقاقی یا شهید محمدالدوره. همچنین نصب مجسمه نوجوان سنگ‌انداز فلسطینی که خود نمایانگر مبارزات انتفاضه است در میدان فلسطین حاکی از زنده نگه‌داشتن خط مشی مبارزه با حمایت از مردم فلسطین است.

مقابله با رژیم صهیونیستی در عرصه‌ی دیپلماسی و بین‌المللی

ایران به برکت انقلاب اسلامی، برای احیای مسئله‌ی فلسطین در عرصه دیپلماسی و بین‌المللی نیز بدون توجه به جبهه سازش‌کار عربی و فشارهای جهان سلطه، به چالش و

رویارویی با رژیم صهیونیستی پرداخته و اقداماتی انجام داده است که به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) گشایش سفارت فلسطین

رابطه‌ی ایران و اسرائیل به دلایل متعدد فراز و فرودهایی داشته و از پیچدگی خاصی برخوردار بوده است.

شکل‌گیری دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ فاجعه‌ای برای جهان اسلام و عرب تلقی می‌شد. ایران با اهداف اولیه تأسیس اسرائیل مخالف بود و به برنامه‌های سازمان ملل برای جداسازی اعراب و اسرائیل رأی منفی داد. همچنین طرح جداسازی فلسطین که مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ به تصویب رساند، با مخالفت ایران همراه شد؛ اما بعد از شکل‌گیری دولت اسرائیل، روابط دو کشور بهبود یافت و دو کشور طرح اتحاد استراتژیک را فراهم آوردند و این روابط بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توسعه قابل توجهی یافت. (احتشامی، ۱۳۷۸، ص ۶۷).

در سال ۱۳۲۷ شمسی (۱۹۴۹م) به دنبال شکست اعراب در جنگ با اسرائیل، در محافل سیاسی ایران، از جمله وزارت امور خارجه، آرام‌آرام مسئله‌ی شناسایی دولت اسرائیل مورد توجه قرار گرفت. با شکست اعراب از یک سو و به رسمیت شناختن اسرائیل به وسیله دولت‌های ترکیه و انگلستان از سوی دیگر، دولت‌های عرب تلاش وسیعی را آغاز کردند تا از تحقق شایعه احتمال به رسمیت شناخته شدن آن رژیم در ایران ممانعت به عمل آورند؛ اما مقامات ایران شناسایی اسرائیل را گامی در برخورداری از کمک‌های مالی و اقتصادی «اصل چهار ترومن» و جلب حمایت کنگره آمریکا می‌دانستند و نمی‌توانستند به‌سادگی از آن چشم‌پوشی کنند؛ با این حال هنگامی که مسئله‌ی دولت یهود در دستور کار وزارت امور خارجه ایران قرار گرفت، دولت ایران به منظور حفظ روابط دوستانه با کشورهای عرب، به عضویت اسرائیل در سازمان ملل

متحد رأی مخالف داد. سرانجام در چهاردهم اسفند ماه ۱۳۲۸ (پنجم مارس ۱۹۵۰) موضوع شناسایی اسرائیل در کابینه دولت محمد ساعد مراغه‌ای مطرح، و به اتفاق آرا تصویب شد و در ۲۳ اسفند همان سال، ایران به صورت دوفاکتور^۱ آن کشور را به رسمیت ساخت و در بیت‌المقدس سرکنسولگری دایر کرد.

طبیعی بود که این اقدام دولت ایران با واکنش منفی مردم و محافل و شخصیت‌های ملی و روحانی روبه‌رو شود. مخالفت مردم با ایجاد کشور اسرائیل مسئله‌ی تازه‌ای نبود و سال‌ها بود که مردم و جامعه دینی به شدیدترین نحو مخالفت خود را با تأسیس و شناسایی آن کشور در سازمان‌ها و کشورهای مختلف، ابراز کرده بودند. شدیدترین بیانات و اعتراضات از آن آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی بود. وی در خطابه‌های خود تقسیم فلسطین از سوی سازمان ملل متحد را امری ناحق می‌خواند و بر این مسئله تأکید می‌ورزید که وقتی جنگ‌های صلیبی نتوانست «خاک مقدس را که وطن حقیقی مسلمین و اعراب است از چنگ مسلمین به در آورد، حال، زبونی، ذلت، فلاکت و بیچارگی مسلمین به جایی رسیده که یک عده یهودی قاچاقچی بی‌وطن که مطرود جمیع بلاد عالم می‌باشند، به زورِ دول بزرگ در آنجا مسکن گزیده‌اند». ایشان همچنین اظهار می‌داشت که: «فلسطین با حمایت یهودیان مهاجر آلمانی و امریکایی و فرانسوی تأسیس شده و مبارزه با یهودیان امری واجب است؛ چراکه آنان اقتصاد دنیا را به دست گرفته‌اند، بی‌عاطفه هستند، تمام کوششان صرف پول می‌شود، و کلیه قاچاق‌ها

۱. اقدامی است که به موجب آن، یک کشور یا حکومت نواستقلال به عنوان یک کشور مستقل که قادر به اداره و اعمال موثر قدرت در قلمرو تحت کنترل خود است، به رسمیت شناخته می‌شود، ولی این شناسایی هیچ‌گونه الزام و تعهد بین‌المللی در پی ندارد. شناسایی دوفاکتور مناسبات دیپلماتیک کامل به دنبال ندارد و نمایندگان اعزامی سیاسی فاقد مصونیت سیاسی‌اند.

کارآن‌هاست. لذا، وظیفه هر مسلمانی است که به مبارزه با دولت جدیدالتأسیس اسرائیل بپردازد». ما ایرانیان کار به دولت نداریم. حتماً اگر دولت اقدام به شناسایی اسرائیل کند، ایرانیان مسلمان بنا به تکلیفی که دارند قیام خواهند کرد، و بدین منظور تشکیلاتی را برای مبارزه با یهودیان اسرائیلی به وجود آورده‌ایم.

هرچند مخالفت با اسرائیل، از اهداف اصلی نهضت ملی کردن نفت نبود، این نهضت منافع اسرائیل را مورد تهدید جدی قرار داد و در ۱۵ تیر ۱۳۳۰ دکتر مصدق، با عنایت به اصل موازنه منفی و با توجه به اعتراضات مردم و برخی از نمایندگان مجلس، شناسایی دوفاکتوری اسرائیل را پس گرفت و طی اعلامیه‌ای، قطع رابطه با دولت اسرائیل را به اطلاع عموم رساند.

در دوران حاکمیت پهلوی دوم، سازمان اطلاعاتی اسرائیل (موساد) پس از سازمان‌های آمریکا، شوروی و انگلستان، فعال‌ترین شبکه اطلاعاتی در ایران بود و در تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. اسرائیل در ایران سه پایگاه برون‌مرزی در خوزستان، ایلام و کردستان داشت. رابطه مسئولان موساد با رؤسا و مأموران اصلی ساواک صمیمانه بود و کلیه اطلاعات لازم از کشورهای عربی، از جمله عراق، کویت، امارات، سوریه و عربستان از این سه پایگاه جمع‌آوری می‌شد. پایگاه‌ها تا سال ۱۳۴۶ در ایران به فعالیت‌های جاسوسی خود ادامه دادند، در این سال، هر سه پایگاه تعطیل، و پرسنلشان به اسرائیل منتقل شدند. با این حال، فعالیت سازمان اطلاعاتی آن رژیم در ایران ادامه یافت و دو کشور اطلاعات مهمی در مورد جهان عرب و مخالفان حکومت‌های خود مبادله می‌کردند. سازمان اطلاعات و امنیت ایران در دو دهه‌ی چهل و پنجاه، تعداد زیادی از مأموران و افسران عالی‌رتبه را برای فراگیری شگردهای جاسوسی و کسب اطلاع به اسرائیل اعزام کرده بود. مأموران ساواک در حومه جنوبی تل‌آویو به فراگیری آموزش‌های اطلاعاتی مشغول بودند. (ر.ک: نجاری راد، ۱۳۸۱).

به دلیل تمایل ایالات متحده‌ی آمریکا به هماهنگ کردن ارتش‌های ایران و اسرائیل، پای نظامیان رژیم صهیونیستی به ایران باز شد و هر روز که از عمر روابط دو کشور می‌گذشت، همکاری‌های نظامی متقابل بیشتر می‌شد؛ به طوری که منجر به انعقاد یک رشته قراردادهای و ملاقات‌های دوجانبه در بالاترین سطح فرماندهان نظامی گردید. (احتشامی، پیشین، ص ۸۴).

دو واقعه‌ی تاریخی، (یکی داخلی و دیگری منطقه‌ای)، سبب شد که از اواخر سال ۱۳۵۶ روابط ایران و اسرائیل وارد مرحله‌ی جدیدی شود و در نهایت، این روابط کاملاً قطع شود.

مسافرت انورسادات به بیت‌المقدس در ۲۸ آبان ۱۳۵۶ (۱۹ نوامبر ۱۹۷۷) و آغاز مذاکرات صلح مصر با اسرائیل با میانجی‌گری آمریکا که به امضای موافقت‌نامه کمپ‌دیوید در ۲۶ شهریور ۱۳۵۷ (۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸) منجر شد، هرچند از نظر دولت‌مردان ایرانی مثبت ارزیابی می‌شد، باعث شد افکار عمومی، (به‌ویژه محافل و شخصیت‌های مذهبی و در رأس آن‌ها امام خمینی علیه‌السلام) با موضع‌گیری منفی، دولت ایران را به شدت تحت فشار قرار دهند تا در روابط خود با رژیم غاصب تجدیدنظر کند. از سوی دیگر، اوج‌گیری نهضت انقلابی ضد شاهنشاهی، ضدآمریکایی و ضد اسرائیلی ایران، روزبه‌روز به بی‌ثباتی سیاسی افزود و ضعف و ناکارآمدی دستگاه حکومتی و شخص شاه را به نمایش گذاشت. توجه نخبگان سیاسی حاکم به امور داخلی و تلاششان در جهت سامان دادن به اوضاع داخلی، آن‌ها را از توجه به روابط خارجی، بازداشته بود. در تابستان و پاییز ۱۳۵۷ که شاه با تصمیم‌گیری‌های ضد و نقیض در حل بحران در حال تشدید سیاسی، کاملاً ناتوان شده بود، دیگر امیدی به بازگشت به دوران حسن نیت و همبستگی بین ایران و اسرائیل وجود نداشت. (ر.ک: ازغندی، ۱۳۷۶).

با فروپاشی رژیم سلطنتی و پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی ایران مبارزه با اسرائیل را به عنوان یک رژیم غاصب، در دستور کار خود قرار داد و سفارت آن را تعطیل کرد، و مکان آن را در اختیار فلسطینی‌ها قرار داد. دیپلمات‌های اسرائیلی در سفارت آمریکا مخفی شدند و هفت روز بعد، همراه با اتباع آمریکایی با یک هواپیمای مسافربری پان امریکن ایران را ترک کردند و بدین ترتیب ۲۵ سال همکاری بین اسرائیل و رژیم پهلوی پایان یافت. (هوشنگ مهدوی، ص ۴۸۵). بسته شدن سفارت اسرائیل و در مقابل، گشایش سفارت فلسطین در همان مکان، اقدامی بود که در همان نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، خط انقلاب را بیش از پیش نمایان کرد و نشان داد که فلسطین مهم‌ترین مسئله‌ی نظام جمهوری اسلامی است.

ب) بسیج ملت‌های مسلمان برای دفاع از آرمان فلسطین و تقبیح مراوده با رژیم

صهیونیستی

ایران بعد از انقلاب اسلامی نشان داد که در روابط بین‌المللی همواره طرفدار مظلومان خواهد بود. جمهوری اسلامی در سیاست خارجی، خود را متعهد به دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان و حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان می‌داند.^۱

۱. اصول ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصل یکصد و پنجاه و دوم: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحارب استوار است.

اصل یکصد و پنجاه و چهارم: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد؛ بنابراین در عین خودداری کامل از

بر اساس همین تفکر، امام خمینی علیه السلام در همان سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، یک سیاست منطقه‌ای چندبُعدی را که بر چهار اصل^۱ استوار بود، بر مبنای محکومیت اسرائیل اعلام فرمودند. اهداف عمده این اصولِ اعلامی، در راستای سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی و حمایت از فلسطین قرار داشت. یکی از این اصول، ابراز «مخالفت‌های شعاری بسیار جدی با کشور اسرائیل»، و دیگری همکاری با جبهه پایداری عرب (متشکل از کشورهای الجزایر، عراق، لیبی، یمن جنوبی، سوریه و سازمان آزادی‌بخش فلسطین) و مخالفت با کشورهای میانه‌رو - به تعبیر امام راحل، خائن - بود. (مصر به سبب پیشگامی در روند سازش با اسرائیل، کشوری میانه‌رو محسوب می‌شد). این کشور با اقدامات و ابتکارات خود، در میان کشورهای عربی نقش انشعابگر را بازی کرد و این امر، منجر به فروپاشی ائتلاف و اتحاد عربی شد. نماد این امر روند مذاکرات صلح و قرارداد کمپ‌دیوید بود که از سوی کشورهای عربی مورد اعتراض قرار گرفت.

در کنار اعلام سیاست‌های منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران، سه ماه پس از پیروزی انقلاب و نه سال بعد از برقرای مجدد روابط تهران و قاهره، در واکنش به انعقاد قرارداد کمپ‌دیوید به‌وسیله مصر و برای زنده نگه داشتن مشعل مبارزه در فلسطین و حمایت از مردم این کشور، روابط دیپلماتیک خود را با مصر (بزرگ‌ترین کشور جهان عرب)، قطع کرد. حضرت امام علیه السلام در نامه‌ای به ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت موقت، چنین مرقوم فرمودند:

هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

۱. این چهار اصل عبارت بودند از: ۱. همکاری و مشارکت نزدیک با اعضای مشخصی از جبهه پایداری عرب، ۲. ایجاد رابطه اصولی و عمل‌گرایانه با ترکیه و پاکستان بر اساس احترام متقابل، ۳. مخالفت با مواضع و گرایش‌های حاکمان عرب خلیج فارس و گروه اعراب میانه‌رو، ۴. مخالفت‌های شعاری بسیار جدی با اسرائیل. (احتشامی، ۱۳۷۸، ص ۷۴).

«جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه، با در نظر گرفتن پیمان خائنانه مصر و اسرائیل و اطاعت بی چون و چرای دولت مصر از آمریکا و صهیونیسم، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران قطع روابط دیپلماتیک خود را با دولت مصر بنماید». (صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۶۸).

به دنبال دستور امام، روابط دیپلماتیک بین دو کشور مهم و تأثیرگذار در قضیه فلسطین، قطع شد.

ج) حمایت و تقویت جریان‌های فلسطینی معارض با رژیم صهیونیستی

بر اساس یک تقسیم‌بندی، گروه‌های مبارز فلسطینی در دو گروه غیرمذهبی و اسلامی دسته‌بندی می‌شوند.

«مهم‌ترین اعضای تشکیل‌دهنده گروه‌های غیرمذهبی عبارت‌اند از: جنبش فتح، جبهه آزادی خلق برای آزادی فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین (فرماندهی کل)، جبهه دموکراتیک خلق برای آزادی فلسطین و گروه صاعقه».

گروه‌های اسلامی نیز متشکل از جنبش جهاد اسلامی فلسطین و جنبش مقاومت اسلامی فلسطین «حماس» هستند که پس از انقلاب اسلامی شکل گرفته‌اند که به اختصار به معرفی آن‌ها می‌پردازیم:

جنبش جهاد اسلامی: این جنبش در سال ۱۹۸۰ فعالیت خود را آغاز کرد و بنیان‌گذاران آن، فتحی ابراهیم شقاقی و شیخ عبدالعزیز العوده بودند. اساساً انقلاب اسلامی ایران و مواضع آن، تأثیر زیادی روی این جنبش داشته. سیاست این جنبش مبارزه مسلحانه تا نابودی اسرائیل است و با تلفیق دیدگاه دو جریان حاکم فلسطین، یعنی «ساف» که اعتقاد به «مبارزه بدون اسلام» داشت و اخوان المسلمین که معتقد به

«اسلام بدون مبارزه» بود، راه جدیدی در پیش گرفت و ملّی‌گرایی و مبارزه در راه آزادی وطن را با اسلام‌خواهی درآمیخت؛ به همین دلیل مقبولیت بیشتری در میان مردم فلسطین به دست آورد. به عقیده دکتر رمضان عبدالله، رهبر این جنبش، جهاد اسلامی (پس از فتح و حماس) سومین نیروی مبارز در عرصه فلسطین است و به گفته مقامات اسرائیل، جنبشی است که صخره انتفاضه را بر سر آن‌ها فرود آورد. نقش این جنبش در انتفاضه اول پررنگ بود.

جنبش مقاومت اسلامی «حماس»: این جنبش پس از شروع انتفاضه در سال ۱۹۸۷، با صدور اعلامیه‌ای خود را یکی از جناح‌های اخوان المسلمین معرفی کرد. رهبر معنوی حماس، شیخ احمد یاسین روحانی با نفوذ فلسطینی بود که پس از تحمل سال‌ها زندان در اسرائیل و بعد از آزادی، به دست اسرائیلی‌ها ترور شد. حماس نیز مثل جهاد اسلامی معتقد به مبارزه مسلحانه با رژیم اسرائیل و آزادی سراسر فلسطین از اشغالگری است و عملیات جهادی زیادی علیه این رژیم انجام داده و امروزه بزرگ‌ترین گروه مبارز فلسطینی به شمار می‌رود. (گروه پژوهش مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۹۱، ص ۲۹ - ۳۷ (با تلخیص)).

جمهوری اسلامی دفاع همه‌جانبه از سرزمین فلسطین و آزادسازی آن از اشغال رژیم صهیونیستی و کمک به مجاهدان مبارز را وظیفه‌ی همه‌ی آزادگان و بشردوستان جهان، به‌ویژه ملت‌ها و دولت‌های اسلامی دانسته بر آن اصرار دارد. رهبر معظم انقلاب فرمودند:

«همه‌ی ما وظیفه داریم از مردم فلسطین حمایت مادی و معنوی کنیم... همه‌ی مسلمین موظف‌اند در این جهاد شرکت جسته و کمک‌های مالی و سیاسی و نظامی و اطلاعاتی و تجهیزاتی را به سوی آنان سرازیر کنند». (صلح میرزایی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵).

به‌رغم آنکه برخی گروه‌های فلسطینی دارای رویه‌ی غیرمذهبی، (ناسیونالیستی و غیر آن) بودند، انقلاب اسلامی بر اساس دفاع از آرمان فلسطین، ابتدا از همه گروه‌ها در مبارزه با رژیم غاصب حمایت کرد؛ ولی بعد از تغییر رویکرد بعضی گروه‌ها از مبارزه به سازش، جمهوری اسلامی ایران با تفکیک گروه‌های جهادی از گروه‌های سازش‌کار، از گروه‌هایی از مبارزان فلسطین حمایت می‌کند که در راستای هدف آرمانی آن، یعنی آزادسازی کل سرزمین فلسطین فعالیت می‌کنند. گروه‌هایی که هم هدف و هم روش‌های دستیابی به آن، در مسیر آزادی سرزمین فلسطین باشد:

«کمک به فلسطین یعنی کمک به عناصری که دارند مبارزه می‌کنند. کمک به فلسطین معنایش این نیست که به عناصر سازش‌کاری که دلشان برای فلسطین نسوخته، بلکه دلشان برای منافع شخصی خودشان سوخته، کمک کنند. آن سازمانی مورد قبول است و نماینده واقعی مردم فلسطین است که در راه آرمان فلسطین مبارزه بکند، نه آن سازمانی که برود آرمان فلسطین را بفروشد و بر سر آن معامله کند». (همان، ص ۲۶۵-۲۶۶).

از همان زمانی که کشور فلسطین با تباری و توافق کشورهای استعمارگر، تحت قیمومیت و سلطه انگلیس قرار گرفت، هر روز درد و رنج بیشتری متحمل شد؛ زیرا از یک سو رژیم صهیونیستی با خشونت، تجاوز، ترور، جنایت و دیپلماسی پنهان و آشکار خود در صحنه‌های جهانی و منطقه‌ای، سعی در تحکیم سلطه خود بر فلسطین اشغالی و کسب موقعیت برتر در منطقه داشت و از سوی دیگر، برخی کشورهای عربی، به ویژه مصر، به سمت سازش با رژیم صهیونیستی و فراموش کردن تاریخ و تمدن و مبارزات ملت فلسطین گام برداشتند.

حمایت ایران از گروه‌های جهادی فلسطین، از جمله جهاد اسلامی فلسطین و حماس، تشکیل کمیته حمایت از انقلاب اسلامی فلسطین، برگزاری اولین کنفرانس

حمایت از مردم فلسطین در سال ۱۳۷۰ (در پاسخ به شکل‌گیری کنفرانس مادرید) و دومین کنفرانس حمایت از مردم فلسطین در سال ۱۳۸۰ (در راه حمایت از انتفاضه مردم فلسطین)، از دیگر اقدامات حمایتی ایران بوده است. این در حالی است که با وجود محدودیت‌های فراوانی که قدرت‌های جهانی به دلیل سیاست‌های ایران درباره فلسطین، اسرائیل و روند صلح خاورمیانه در این مدت برای کشورمان ایجاد کردند، ایران حاضر به بازگشت از مواضع خود در حمایت از مبارزات مردم فلسطین و کسب برخی منافع مقطعی نشده است. (فلسطین: نگاه ایرانی، ص ۳۰۸).

د) مقابله با اقدامات مشروعیت‌ساز رژیم صهیونیستی در مجامع جهانی

حمایت بی‌دریغ و مستمر قدرت‌های جهانی، به‌ویژه آمریکا، از رژیم صهیونیستی در مجامع گوناگون جهانی، (به‌خصوص در سازمان ملل متحد) و نیز نشست‌های برخی کشورهای عربی پشت میز مذاکره با اسرائیل، سبب شد به مرور زمان، رژیم صهیونیستی از انزوای سیاسی در صحنه جهانی و بین‌المللی و نیز تحریم‌های سازمان ملل خارج شود. سقوط کمونیسم در اروپای شرقی و فروپاشی اردوگاه شرق که تا دیروز از حامیان حقوق فلسطینیان بود و نیز برهم خوردن توازن قوا به نفع غرب که از حامیان اسرائیل بود، موجب شد کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی که از زیر چتر شوروی رها شده بودند، برای رهایی از مشکلات داخلی و معضلات اقتصادی که از نظام کمونیستی به آن‌ها به ارث رسیده بود، به برقراری روابط دیپلماتیک با اسرائیل روی آورند. لهستان، مجارستان و چک‌اسلواکی در ابتدا و سپس بلغارستان، پس از ۲۳ سال قطع رابطه با اسرائیل، مجدداً روابط سیاسی خود را با این رژیم از سر گرفتند. (صفا‌تاج، ۱۳۹۶، ص ۲۷).

این رویدادها به دنبال فروپاشی بلوک شرق و روی‌آوری آن‌ها به برقراری روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی، به قدری در صحنه داخلی و جبهه مبارزاتی فلسطینیان

تأثیر منفی گذاشت که برخی گروه‌های عضو جنبش مقاومت فلسطین نتوانستند نگرانی و موضع انفعالی و ناامیدانه خود را پنهان کنند.

حوادث و رویدادهای مذکور و چندین مسئله‌ی مشابه دیگر در صحنه جهانی و بین‌المللی، نه تنها فلسطینیان را به بازپس‌گیری سرزمینشان از دست رژیم اشغالگر قدس امیدوار نکرد، به تقویت اسرائیل نیز کمک کرد. فلسطینیان نتوانستند با کمک مجامع بین‌المللی و قدرت‌های جهانی، از جمله سازمان ملل متحد، حتی به کوچک‌ترین خواسته خود که طرح تقسیم فلسطین بود، دست یابند.

از جمله آرمان‌های انقلاب اسلامی که توسط معمار الهی انقلاب اسلامی طراحی کرد، زیر سؤال بردن مشروعیت رژیم جعلی صهیونیستی بود. حضرت امام معتقد بود که به وجود آورندگان رژیم غاصب صهیونیستی می‌کوشند به سادگی از بحث مشروعیت وجود اسرائیل بگذرند و حتی در آینده، به حدود و ثغور آن پردازند؛ با توجه به این خطر بزرگ، تنها راه حل مشکل را محو کامل و بی‌چون و چرای رژیم غاصب صهیونیستی می‌دانست:

«یک همچو جرثومه‌ی فساد را شما باید به اتفاق خودتان از بین بردارید. اگر از بین بردارید، این یک ماده سرطانی است که سرایت می‌کند به جاهای دیگر». (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۵۱۹).

انقلاب اسلامی با طرح این دیدگاه که قضیه فلسطین یک قضیه اسلامی است و نه صرفاً عربی، با قرار دادن فلسطین در کانون توجه جهان اسلام، برای اولین بار مرزبندی جدیدی را میان جهان اسلام و رژیم جعلی صهیونیستی ایجاد کرد. این امر نه تنها جبهه واحدی از امت اسلامی را در برابر دولت اشغالگر قدس تشکیل داد، بلکه دیوار محکمی را که سران رژیم صهیونیستی در ورای معاهده ننگین کمپ‌دیوید در سال ۱۹۷۹ برای خارج کردن خود از معادله امنیتی منطقه و همچنین خروج از انزوای

سیاسی کشیده بودند را به یک‌باره فرو ریخت. (صفاتاج، ۱۳۹۴، ص ۲۴۵). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مسئله‌ی فلسطین و جنایت‌های ددمشانه رژیم جعلی صهیونیستی در اشغال سرزمین ملت فلسطین مورد توجه جهانیان قرار گرفت. پیام و دیدگاه انقلاب اسلامی که ظلم و ستم صهیونیسم و مظلومیت ملت فلسطین را بیش از پیش برجسته می‌کرد، حساسیت افکار عمومی جهان را به رژیم صهیونیستی و مناقشه فلسطین افزایش داد؛ به طوری که موجودیت جعلی رژیم صهیونیستی و آرمان‌های صهیونیسم از نگاه افکار عمومی و محافل سیاسی جهان، مورد تردید قرار گرفت.

حضرت امام خمینی رحمته الله، نگرشی طردگرانه به رژیم جعلی صهیونیستی داشتند؛ به گونه‌ای که از این رژیم جعلی صهیونیستی به «غده سرطانی منطقه» یاد کردند. (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۷).

دیدگاه‌های انقلاب اسلامی در مبارزه با صهیونیسم و وجود جعلی غده سرطانی در منطقه و پیکره جهان اسلام، بسیاری از ایده‌ها و طرح‌های سران صهیونیستی را که در طول سال‌ها با برنامه‌ریزی هدفمند، از بُعد نظامی گرفته تا بُعد اقتصادی، دنبال می‌شد و پیامد اصلی آن مشروعیت‌سازی برای رژیم جعلی صهیونیستی در خاورمیانه و روند سازش دُول عربی سازش‌کار با اسرائیل بود، به یک‌باره بر باد داد. جیمی کارتر، رئیس‌جمهور اسبق ایالات متحده، در این زمینه اظهار داشت:

«انقلاب اسلامی ایران، تمام نتایج مذاکرات کمپ‌دیوید را بر باد داد». (صفاتاج، پیشین، ص ۲۴۶).

در حقیقت پیروزی انقلاب اسلامی موقعیت و ماهیت دولت جعلی صهیونیستی در خاورمیانه و تلاش‌های مذبحخانه سران صهیونیستی در مشروعیت‌سازی بین‌المللی برای این رژیم را مورد تشکیک قرار داد و به مخاطره انداخت. (ر.ک: مقاله‌ی آقا مجید زادبوم مندرج در روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۲۰).

پیامد این تشکیک و اصرار بر راهبرد مشروعیت‌زدایی از رژیم جعلی اسرائیل، فروریختن باور افسانه‌ای شکست‌ناپذیری اسرائیل و مهم‌تر، قرار گرفتن آن رژیم در سرایشی سقوط است؛ از این رو پس از شروع موج سوم بیداری اسلامی در کشورهای عربی منطقه در سال ۲۰۱۸ میلادی، یکی از رژیم‌هایی که از موج بیداری اسلامی و قیام‌های مردم در کشورهای عربی منطقه به شدت متأثر شد و در صدد کاهش آثار منفی آن بر خود برآمد، رژیم صهیونیستی است. اسرائیلی‌ها طی چند دهه اخیر با ایجاد ارتباط وثیق با سران و حکمرانان مستبد عرب تلاش کردند منافع خود را تأمین کنند؛ اما شروع خیزش‌ها که ناشی از بیداری اسلامی است، سبب شد آنها به تکاپو افتاده و به دنبال راه‌کارهایی با هدف حفظ جایگاه سابق خویش برآیند. در آوریل ۱۳۸۹ مرکز مطالعات امنیت ملی اسرائیل INNS در گزارش ۲۷۲ صفحه‌ای خود، با استناد به آنچه در منطقه می‌گذرد نتیجه گرفت که «اسرائیل روی قوس نزولی خود قرار گرفته و سقوطی ناخواسته را تجربه می‌کند». (صفحات، ۱۳۹۴، الف، ص ۲۳۵). این گزارش نفوذ ایران در منطقه (الگو گرفتن ملت‌های مسلمان از انقلاب اسلامی ایران) را یکی از اصلی‌ترین عواملی دانسته که اسرائیل را روی قوس نزولی، به سقوط تهدید می‌کند. پس از ارائه‌ی این گزارش به موساد، نتانیا هو نخست‌وزیر اسرائیل با عصبانیت گفت: «خمینی و خامنه‌ای در مرزهای اسرائیل اردو زده‌اند».

روزنامه اسرائیلی هاآرتص به نقل از نتانیا هو می‌نویسد:

«خمینی از همه طرف اسرائیل را محاصره کرده است».

واف گالانت فرمانده سابق ارتش اسرائیل نیز اظهار داشت: «موج بیداری خاورمیانه آینده اسرائیل را به خطر انداخته است». (همان، ص ۲۳۴).

به این ترتیب، مسلمانان فلسطین با بهره‌گیری از انقلاب اسلامی ایران مصمم شدند با اعتقاد به اسلام و برخورداری از روحیه انقلابی، مرحله جدیدی را برای مبارزات

رهایی بخش خود ترسیم کنند. آن‌ها درک کردند که دامنه‌ی انقلاب اسلامی به یک محدوده جغرافیایی منحصر نیست و شعاع آن فراتر رفته و به زودی تمام دنیای اسلام را از مرحله ذلت و خواری و خضوع در مقابل استکبار و عوامل دست‌نشانده‌اش، به پیروزی و رهایی و استقلال می‌رساند.

چند سال پس از شروع انتفاضه فلسطین، رژیم صهیونیستی به‌رغم اقدامات سرکوبگرانه‌اش علیه ملت مسلمان فلسطین، در تنگنای بزرگی قرار گرفت که خارج شدن از آن برایش امری محال شد. بعضی از تحلیلگران سیاسی اعتقاد داشتند که حوادث دسامبر ۱۹۸۷ میلادی (انتفاضه) آغاز دوره جدیدی برای ساکنان عرب منطقه اشغالی فلسطین، رژیم صهیونیستی و آمریکا است که طی چند دهه پس از تشکیل اسرائیل بی‌سابقه بوده و برای اولین بار، اساس و بنیان رژیم صهیونیستی را در معرض خطر جدی قرار داده است. زئیو شعف، یکی از روزنامه نگاران و تحلیلگران نظامی اسرائیل معتقد است:

«این قیام چه‌بسا مشکل‌ترین جنگ بر ضد اسرائیل بوده است که به جنگ فرسایشی تبدیل خواهد شد. در صورتی که نتوان در نهایت به مذاکره با فلسطینی‌ها دست یافت، نه تنها ممکن نیست با پایان دادن به آشوب‌ها - انتفاضه - پیروزی به دست آید، بلکه حرکت‌های بعدی فلسطینی‌ها، شدیدتر و بدتر از قبل خواهد بود و طبیعتاً به دنبال آن، کشورهای عربی به دوره جنگ جدیدی بر ضد اسرائیل کشیده خواهند شد.»

برخی دیگر از پژوهشگران نیز اعتقاد داشتند:

«قیام‌کنندگان فلسطینی که حرکت خود را با پرتاب سنگ و آتش زدن لاستیک‌های اتومبیل‌ها شروع کردند، در نهایت به جنگ در کرانه باختری و نوار غزه روی می‌آورند که در این صورت، هفته پس از هفته و ماه پس از ماه، می‌کشیم و کشته می‌شویم.» (صفحات ۱۳۹۶، ص ۲۸).

شکل جدید مبارزه مردم فلسطین پایه‌های اصلی رژیم صهیونیستی و همچنین بعضی رژیم‌های مرتجع عربی را مورد تهدید قرار داد و حامیان این دولت را به تحرک واداشت تا با کشاندن عرب‌ها به پای میز مذاکره و صلح با اسرائیل، خطر روحیه انقلابی گسترش یافته در منطقه را که امتداد طبیعی انتفاضه است، به تعویق اندازند یا آن را تحت کنترل خود درآورند. آمریکا، به عنوان رأس هرم و سردمدار جریان مبارزه با اسلام‌گرایی در منطقه و حامی اصلی رژیم صهیونیستی در جهان، به منظور جلوگیری از عمیق‌تر شدن بُعد اسلامی قضیه فلسطین و به سازش کشاندن فلسطینی‌ها و کسب موافقت برای طرح صلح خاورمیانه، تلاش وسیعی را آغاز کرد. آمریکا با کمک رژیم صهیونیستی کوشید مسئله فلسطین را که به صورت بحران و مسئله‌ای مهم در جهان اسلام مطرح است، در تنگ‌ترین دایره حل کند تا فرصت و امکان کافی برای ادامه و اجرای سیاست تجاوزکارانه خود در منطقه داشته باشد. به همین لحاظ در کنار مذاکرات چندجانبه‌ای که رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی داشت، مذاکرات سری و دوجانبه با ساف نیز در دستور کار رژیم قرار گرفت.

اما انتفاضه فلسطین که بدون هیچ وابستگی گروهی به جریان‌های سیاسی مقاومت وابسته به دولت‌های عربی و با الهام از انقلاب اسلامی ایران به منصفه ظهور رسید، تقریباً تمامی جریان‌های سیاسی فلسطینی، از جمله ساف را که راهبرد مذاکره و سازش با اسرائیل را در پیش گرفته بود، غافلگیر کرد.

مبارزه جدید مردم فلسطین در قالب انتفاضه، پایه‌های اصلی رژیم صهیونیستی و نیز برخی رژیم‌های مرتجع عربی را مورد تهدید قرار داد.

آمریکا می‌تواند کشورهای عربی را فراخور مواضعشان، با اعطای کمک‌های اقتصادی یا تهدید و تخویف، به صلح با اسرائیل راضی کند؛ ولی تنها عاملی که در کنترل آن‌ها نیست، قیام مردمی انتفاضه و گروه‌های جهادی مثل حماس و جهاد اسلامی است. انقلاب اسلامی با ممانعت از ورود این گروه‌ها به سازش با اسرائیل و شناسایی

نکردن سازمان ساف به عنوان نماینده واقعی مردم فلسطین، نگذاشته این رژیم مشروعیت جهانی کسب کند.

نتیجه گیری

مبتنی بر یافته‌های تحقیقی این مقاله - البته نه به صورت حصری - مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که انقلاب اسلامی با ابتکار خود و طرح و پی‌گیری آن‌ها، نگذاشت مسئله‌ی فلسطین فراموش شود، و آن را به‌عنوان اولین و مهم‌ترین مسئله‌ی جهان اسلام احیا کرد و مشعل آن را فروزان نگه داشت، تغییر ماهیت و رویکرد قضیه فلسطین از عربی و قومی بودن آن، به عقیدتی و اسلامی بودن، اعلام روز جهانی قدس، حمایت از گروه‌های جهادی فلسطین، طرح سیاست‌های منطقه‌ای علیه اسرائیل، تخریب تلاش‌های مشروعیت‌ساز رژیم صهیونیستی و... است.

جمهوری اسلامی ایران با درک درست قضیه‌ی فلسطین و اهداف تشکیل رژیم غاصب اسرائیل، و با اعلام اینکه عمده‌ترین خطری که اکنون نهضت فلسطین را تهدید می‌کند، روند مذاکرات صلح با اسرائیل است، با تفکیک راه خود از جریان سازش و حمایت از جبهه مقاومت در منطقه و گروه‌های جهادی در فلسطین اشغالی در صدد ایجاد مانع در راه به ثمر رسیدن چنین سازش و صلحی است؛ چراکه نتیجه حداکثری سازش، اعطای خودگردانی به فلسطینی‌ها در کرانه باختری و نوار غزه است که اسرائیل به کرات نشان داده به آن هم پای‌بند نیست. پیامد آن، مسئله پایان آرمان فلسطین و اشغال تمام سرزمین مقدس فلسطین و فراموشی آن خواهد بود.

روشن نگه‌داشتن مشعل مبارزه در فلسطین، مساوی است با به خطر افتادن امنیت رژیم صهیونیستی و از آنجاکه اسرائیل در حال حاضر تنها به امنیت خود و فرونشاندن قیام فلسطینیان می‌اندیشد و راه آن را در صلح و ایجاد خودگردانی برای آن‌ها می‌داند،

در حقیقت همین نشانه ضعف اوست. گروه‌های فلسطینی باید از همین ضعف استفاده کنند و با ابراز مخالفت با هرگونه صلحی با اسرائیل، از تمام ابزارهای خود در داخل فلسطین و در دنیای خارج در راه ایجاد موج مخالفت با صلح بهره گیرند؛ زیرا نفسِ عدم صلح با اسرائیل باعث ایجاد ناامیدی ساکنان آن خواهد شد.

در این میان، کشورهای اسلامی و عربی نیز باید از هر فرصتی در سطح منطقه و جهان برای حمایت از انتفاضه بهره جویند و بر اسرائیل فشار مضاعف وارد کنند. البته گروه‌های مبارز در کنار فعالیت‌های نظامی و عملیاتی، باید با فعالیت‌های سیاسی و معرفی مواضع خود به جهانیان، اتهاماتی مانند تروریسم و... را از خود بزدایند و حمایت افکار و وجدان عمومی جهانیان را به خود جلب کنند.

منابع

۱. احتشامی، انوشیروان. (۱۳۷۸ش) سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، اقتصاد، دفاع و امنیت، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: انتشارات مرکز انقلاب اسلامی.
۲. ازغندی، علیرضا. (۱۳۷۶ش) روابط خارجی ایران (۱۳۵۷ - ۱۳۲۰)، تهران: قومس.
۳. پارسانیا، حمید. (۱۳۸۹ش) حدیث پیمانه، قم: نشر معارف.
۴. حدیث ولایت. (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری) (۱۳۷۵ش) ج ۴، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۵. گروه پژوهش. (۱۳۹۱ش) راهبردهای رژیم صهیونیستی در برخورد با مقاومت اسلامی، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران.
۶. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۶ (نرم‌افزار نور).
۷. صفاتاج، مجید. (۱۳۹۴ش) آغازی برای یک پایان، تهران: آفاق روشن بیداری.
۸. _____ (۱۳۹۴ش) نهضت بیداری اسلامی، تهران: آفاق روشن بیداری.
۹. _____ (۱۳۹۶ش) نهضت فلسطین، چالش‌ها و راهبردها، آینده پیش‌رو، تهران: آفاق روشن بیداری.
۱۰. _____ (۱۳۹۴ش) موج اول بیداری اسلامی پس از انقلاب اسلامی، ج ۳، تهران: آفاق روشن بیداری.
۱۱. _____ (۱۳۹۴ش) سپهر انقلاب اسلامی، تهران: آفاق روشن بیداری.
۱۲. صلح‌میرزایی، سعید. (۱۳۹۰ش) فلسطین از منظر مقام معظم رهبری، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۳. مجموعه مقالات. (۱۳۸۶ش) فلسطین، نگاه ایرانی. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۴. کدیور، جمیله. (۱۳۷۴ش) رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران: انتشارات اطلاعات.

۱۵. مجرد، محسن. (۱۳۸۶ش) تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۶. مرتضایی، علی‌اکبر. (۱۳۷۸ش) امام خمینی در حدیث دیگران، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۱۷. نجاری‌راد، تقی. (۱۳۸۱ش) همکاری ساواک و موساد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۸۹ش) سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، تهران: انتشارات البرز، چ ۳.
۱۹. روزنامه رسالت، ۱۳۷۹/۱۱/۱۷.
۲۰. زادبود، کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۲۰، ص ۱۲